

تقدیرگرایی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن
(مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ تا ۶۵ ساله شهر کرمان)

زهرا شمس‌الدینی^۱، سوده مقصودی^۲

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۰/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵)

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تقدیرگرایی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر کرمان بود. ۳۸۵ نفر از زنان و مردان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر کرمان با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. نتایج نشان داد که بین متغیرهای دین‌داری، احساس بی‌قدرتی، احساس بیگانگی اجتماعی، احساس نابرابری اجتماعی، و تقدیرگرایی رابطه مثبت و بین نیاز به موفقیت و تقدیرگرایی رابطه منفی وجود دارد. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای احساس بی‌قدرتی، دین‌داری، نیاز به موفقیت، و احساس بیگانگی اجتماعی در تبیین متغیر وابسته مؤثرند و توانسته‌اند تا ۰/۲۲ از تغییرات واریانس متغیر تقدیرگرایی را پیش‌بینی کنند. بنابراین باید با ایجاد فرصت‌های مناسب و برابر زمینه حضور و مشارکت تمام شهروندان را در جامعه فراهم کرد تا احساساتی مانند احساس بیگانگی و بی‌قدرتی و نابرابری اجتماعی را که باعث گرایش افراد به تقدیرگرایی می‌شود کاهش داد.

^۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان
^۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)
zshamsoddin@gmail.com
smaghsoodi@uk.ac.ir
مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰: ۸۸-۱۱۱

واژگان کلیدی: تقدیرگرایی، دین‌داری، احساس بی‌قدرتی، احساس بیگانگی اجتماعی، احساس نابرابری اجتماعی، نیاز به موفقیت، ساخت قدرت خانواده.

مقدمه و بیان مسئله

تقدیرگرایی^۱ از مسائل دیرینه‌ای است که در تمام تمدن‌ها به صورت مسئله‌ای بارز مطرح بوده است. مسئله سرنوشت و تقدیر در قصه‌ها و داستان‌ها نقش فعالی دارد و شعرا و سرایندگان از آن به مثابه عاملی مرموز بهره گرفته‌اند. در واقع این مسئله، که آیا انسان در انجام کارها مختار است و زور و فشاری پشت سر آن نیست یا اینکه مجبور است و درحقیقت عوامل مرئی و نامرئی او را به سوی هدف خاصی سوق می‌دهند، از قدیم الایام مورد توجه اکثریت افراد بشر بوده است (نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

تقدیرگرایی اعتقاد و باوری است فرهنگی و گروهی که به واسطه آن فرد تقدیرگرا کلیه امور و پدیده‌ها را در حیات اجتماعی خویش به کارکرد نیروها و عوامل ماوراءالطبیعه و متافیزیکال نسبت می‌دهد و این نیروها را در همه احوال ناظر بر افعال، اعمال و کردار خود می‌داند (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳). در تقدیرگرایی این اعتقاد وجود دارد که نتایج کار بشر از قبل توسط نیروهایی که خارج از قدرت و کنترل فرد است تعیین شده‌اند (تورنتون و همکاران^۲، ۲۰۱۹: ۱). فرهنگ در باور به تقدیرگرایی نقش دارد. در جوامع غربی که فرهنگ فردگرایی رواج دارد، میزان تقدیرگرایی کمتر از جوامع شرقی مشاهده می‌شود که فرهنگ جمع‌گرایی وجود دارد و عوامل کنترل‌کننده افراد خارجی هستند (اونگورن و همکاران^۳، ۲۰۱۷: ۲۸).

باور به تقدیرگرایی بار مسئولیت را از دوش آدمی برمی‌دارد، روحیه انفعالی به فرد تحمیل می‌کند و توانایی انسان را برای ایفای نقشی برجسته و مؤثر از او سلب می‌کند (شجاعی، ۱۳۸۸: ۲). نتیجه این نوع نگرش عدم اعتقاد به تدبیرگرایی و آینده‌نگری، کاستی انگیزه و مشارکت، افزایش روحیه انفعال، عدم برنامه‌ریزی، و در نهایت عدم آمادگی لازم جهت رویارویی با حادثه خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۳: ۵). در مباحث علوم اجتماعی به‌ویژه در سنت پارادایم واقعیت اجتماعی و مکتب کارکردگرایی ساختاری آن، اعتقاد و باورهای گروهی، محصولات زندگی جمعی به شمار می‌روند که زیر نفوذ ساختارهای اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آیند. از این منظر

^۱. fatalism

^۲. Thornton, Arland; Bhandari, Prem; Swindle, Jeffrey; Williams, Nathalie; Young-DeMarco, Linda; Sun, Cathy; Hughes, Christina

^۳. Üngüren, Engin; Arslan, Serdar; Koç, Tayfur Süleyman

تقدیرگرایی به مثابه نوعی اعتقاد و باور گروهی، بخشی از فرهنگ مجرد و معنوی محسوب می‌شود (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳).

طرفداران نظریه نوسازی چنین بیان می‌کنند که تقدیرگرایی یا سرنوشت‌گرایی عنصر مسلط بر فرهنگ جوامع غیر پیشرفته بوده است در حالی که تدبیرگرایی (نقطه مقابل تقدیرگرایی) ویژگی اصلی فرهنگ‌های جدید است از این‌رو رمز توسعه‌یافتگی در جهان غرب را تدبیرگرایی می‌دانند و توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم را ناشی از تقدیرگرایی برمی‌شمرند. به عبارت دیگر تقدیرگرایی یکی از موانع فرهنگی و اجتماعی توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته محسوب می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۳) که باعث کاهش سطح توقعات و آرزوها و خواسته‌های افراد در جامعه می‌شود و به پایین آمدن انگیزه‌های افراد جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب در زندگی و کاهش انگیزه‌های قوی اقتصادی و جاه‌طلبی برای پیشرفت فردی کمک می‌کند؛ بنابراین شناخت این پدیده و افزایش آگاهی و دانش نسبت به آن جهت نیل به جامعه‌ای نو از اهمیت بسزایی برخوردار است (ملکشاهی، ۱۳۸۷: ۲).

در ایران تقدیرگرایی ریشه عمیقی در ذهنیات و خلیات ایرانیان از جمله فضلا و ادبای ما دارد تا جایی که بسیاری از شاعران در ظاهر به تناسب قافیه و در باطن به دلایل محتوایی تدبیر را در برابر تقدیر قرار داده و آن را بی‌ارزش نمایانده‌اند یا عبارت‌ها و ضرب‌المثل‌هایی در مذمت تدبیر وجود دارد مانند «تقدیر چو سابق است تدبیر چه سود؟» و «تقدیر برابر با ترک تدبیر است». با توجه به اینکه تدبیر معادل قدیمی چیزی است که امروزه مدیریت خوانده می‌شود طبیعی است در جهانی که بر اساس مدیریت و تدبیر اداره می‌شود چنین نگرشی چه پیامدهای منفی و ویران‌کننده‌ای خواهد داشت (مجدی فرد و صباغ، ۱۳۹۴: ۵۸).

استان کرمان یکی از محروم‌ترین استان‌های کشور و از لحاظ شاخص‌های اقتصادی، آموزشی، درمانی و ... دارای سطح نازلی است و بر اساس مطالعات صورت‌گرفته جزء شش استان محروم (خوزستان؛ کرمان؛ ایلام؛ خراسان شمالی؛ هرمزگان؛ سیستان و بلوچستان) کشور است (شیخ بیگلو، ۱۳۹۰: ۶۶). علل مختلفی مانند ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی باعث محرومیت‌های استان شده‌اند، اما بخشی از آن به تقدیرگرایی مردم منطقه باز می‌گردد. مقدس جعفری و خواجویی‌زاده (۱۳۸۹) در بررسی گرایش به باورهای فرهنگی به عنوان موانع توسعه در شهر کرمان به این نتیجه رسیدند که در بین مردم کرمان گرایش به تقدیرگرایی وجود دارد و به عنوان یکی از موانع توسعه شناخته شد. از این‌رو پژوهش حاضر به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر تقدیرگرایی مردم شهر کرمان است.

پیشینه تجربی پژوهش

در این بخش به تعدادی از پژوهش‌هایی که به طور مشخص به ارتباط تقدیرگرایی و عوامل مرتبط با آن پرداخته‌اند اشاره می‌شود.

نتایج پژوهش مؤذنی و بهشتی‌دوست (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی رابطه بازتولید فرهنگی و طبقه اجتماعی با تأکید بر تقدیرگرایی (سرپرستان خانوار شهر اصفهان)» بیانگر آن بود که رابطه معکوس میان طبقه اجتماعی و میزان تقدیرگرایی وجود دارد. به عبارت دیگر، طبقات پایین‌تر، تقدیرگراتر هستند. نتایج رگسیون چندمتغیره نیز نشان دادند مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی (به عنوان مهم‌ترین شاخص طبقه اجتماعی) و پس از آن سرمایه اقتصادی، بیشترین واریانس مربوط به تغییرات مفهوم تقدیرگرایی را تبیین کرده‌اند.

راستی و رحمانی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان کنارک)» دریافتند که عوامل مذهبی (بجز پایبندی به مناسک مذهبی)، احساس برابری (بجز رعایت حقوق قومیت‌ها، و برتری قانون بر رابطه‌سالاری و شایسته‌سالاری)، احساس کارآمدی، و احساس بیگانگی (بجز احساس بی‌معنایی) با میزان تقدیرگرایی رابطه معناداری دارند. همچنین نتایج حاکی از ضعف قابل ملاحظه در بنیان‌های آگاهی و دانش، و بنیان‌های اقتصادی و تولیدی، و نیز سازوکارهای نهادی در تخصیص و توزیع سرمایه‌ها و امکانات است، که روی هم رفته در چارچوب نظام سنتی مبتنی بر عرف و سنت و مذهب، منجر به گرایش‌های تقدیرگرایانه در روستاهای منطقه شده است.

نیازی و شفائی مقدم (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی زنان» به بررسی تأثیر شیوه‌های تربیتی خانواده و جامعه‌پذیری جنسیتی و سنت‌گرایی بر میزان تقدیرگرایی پرداختند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون گویای رابطه‌ای معنادار بین متغیرهای سنت‌گرایی، جامعه‌پذیری جنسیتی، شیوه تربیتی سهل‌انگارانه، شیوه تربیتی اقتدارگرایانه، و سبک تربیتی استبدادگرایانه با میزان تقدیرگرایی پاسخ‌گویان بود. از میان متغیرهای مذکور سنت‌گرایی بیشترین تأثیر را بر میزان تقدیرگرایی دارد و جامعه‌پذیری جنسیتی و شیوه‌های تربیتی مقتدرانه به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

بیگم کاهانی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «سنجش میزان تقدیرگرایی در بین دانشجویان دانشگاه غیر انتفاعی کوثر قزوین و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» به بررسی تأثیر ساخت مقتدرانه خانواده، میزان دینداری، محیط زندگی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، و جنسیت بر میزان تقدیرگرایی پرداخت. نتایج نشان داد که بین ساخت مقتدرانه خانواده، میزان دینداری،

محیط زندگی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان تقدیرگرایی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد. از دیگر نتایج تحقیق عدم تأیید وجود رابطه بین جنسیت و تقدیرگرایی بود.

حسینی تبار (۱۳۹۳) با «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به تقدیر گرایی (مورد مطالعه: جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهرستان دهلران)» به این نتیجه رسید که بین متغیرهای سبک زندگی، دینداری، سن، جنسیت، تحصیلات، و قومیت با تقدیرگرایی رابطه معناداری وجود دارد. پژوهش مقدس جعفری و خواجویی زاده (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه (مورد مطالعه شهر کرمان)» نشان داد که گرایش افراد به باورهای تقدیرگرایی، دنیاگرایی، آینده‌نگری، علم‌گرایی، خاص‌گرایی، و برنامه‌ریزی در حد متوسط است و عوامل سن، تحصیلات، شغل، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، و مشارکت، با گرایش افراد به باورهای فرهنگی که مانع توسعه به شمار می‌رود، مرتبط است.

همچنین تی - کوادجو^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با موضوع رابطه بین سهم باور به تقدیرگرایی و انجام رفتار پرخطر (سرعت زیاد) به هنگام رانندگی در کشور غنا، نشان داد که بین تقدیرگرایی و این رفتار پرخطر رانندگان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یعنی هرچه افراد به تقدیر و سرنوشت اعتقاد بیشتری داشته باشند، میزان رفتار پرخطر در آنها افزایش می‌یابد. این میزان در مردان و افراد مجرد نسبت به زنان و افراد متأهل بیشتر بود.

مروان و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «تقدیرگرایی و غربال‌گری سرطان دهانه رحم در بین زنان مکزیکی» به این نتیجه رسیدند که زنان روستایی کمتر از زنان شهری تست پاپ اسمیر^۳ را انجام داده‌اند و آنها معتقد بودند که بیماری‌شان ناشی از بدشانسی یا سرنوشت آنان بوده است.

دیز و همکاران^۴ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان «تقدیرگرایی و بهزیستی در فرهنگ‌های اسپانیایی‌زبان» به دنبال سنجش مقیاس تقدیرگرایی اجتماعی‌اند تا به تأثیر تقدیرگرایی بر جوامع فردگرا و جمع‌گرا در سراسر فرهنگ اسپانیا پردازند. در فرهنگ فردگرا (نمونه اسپانیایی)، تقدیرگرایی با بهزیستی ذهنی و رفاه اجتماعی همبستگی منفی دارد. اما در نمونه جمع‌گرا (کلمبیا) تقدیرگرایی با رفاه اجتماعی و روانی همبستگی منفی و با بهزیستی ذهنی همبستگی مثبت داشت. اعتقاد به سرنوشت در جمع، انتظارات زندگی و خواسته‌های مردم را

^۱. Teye-Kwadjo, Enoch

^۲. Marván, Ma. Luisa; Ehrenzweig, Yamilet; Catillo-López, Rosa Lila

^۳. Pap smear

^۴. Díaz, Darío; Blanco, Amalio; Bajo, Miriam; Stavradi, Maria

کاهش می‌دهد. در فرهنگ جمع‌گرا تقدیرگرایی اجتماعی به عنوان استراتژی مفید برای تطبیق با جنبه‌های خاصی از زندگی تجلی پیدا می‌کند.

بل و هترلی^۱ (۲۰۱۴) به مطالعه وضعیت طبقه اجتماعی در واکنش به سلامت و بیماری پرداختند. این مطالعه از طریق مصاحبه با ۵۸ زن نابارور ایالات متحده انجام گرفت. آنها با بررسی وضعیت وابستگی ناباروری زنان در دو گروه با وضعیت اجتماعی اقتصادی خوب و وضعیت اجتماعی اقتصادی بد، به این نتیجه رسیدند که هر دو گروه برای توضیح ناباروری خود از «اعتقاد به سرنوشت» استفاده کردند، اما زنان با وضعیت اجتماعی اقتصادی خوب برخلاف زنان با وضعیت اجتماعی اقتصادی بد، به دنبال راهی بودند تا این سرنوشت را به چالش بکشند. در بررسی تحقیقات گذشته و به عنوان مثال مطالعه تی - کوادجو (۲۰۱۹) و مقاله دیاز و همکاران (۲۰۱۵) می‌توان گفت بیشتر متغیر تقدیرگرایی به عنوان متغیر مستقل بررسی شده، در حالی که در این تحقیق تقدیرگرایی به عنوان متغیر وابسته مد نظر قرار گرفته شده است. ضمن آنکه تقدیرگرایی در مطالعه حاضر نقش متغیر وابسته را دارد، ارتباط آن با انواع متغیرهای اجتماعی (ساختار قدرت در خانواده، احساس بیگانگی اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، احساس نابرابری اجتماعی، دینداری، نیاز به موفقیت) سنجیده شده، که متغیرهایی جامعه‌شناختی‌اند و «همگی با هم» در پژوهش‌های سابق مورد سنجش قرار نگرفته‌اند. علاوه بر این گرچه پژوهش‌های خارجی جدیدی در جهان در این زمینه انجام شده اما پیرامون این موضوع آن هم با متغیرهای مهم و تأثیرگذار جامعه‌شناختی در ایران و در سال‌های اخیر کار جدی صورت نپذیرفته است لذا انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد.

واکاوی منابع

محققان و صاحب‌نظران متعدد در زمینه‌های مختلف روانشناسی و جامعه‌شناسی و ... مفهوم تقدیرگرایی را بررسی کرده‌اند که در اینجا به معروف‌ترین و بااهمیت‌ترین آنها اشاره می‌کنیم. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه تقدیرگرایی می‌توان از اورت راجرز^۲ یاد کرد. راجرز تقدیرگرایی را به منزله نوعی باور و اعتقاد فرهنگی می‌داند که بر اساس آن انسان موجودی ناتوان و با قابلیت‌های محدود در مقابل جهان پیرامونی و امور زندگی است. درک او از ناتوانی‌ها و محدودیت‌هایش باعث می‌شود که به نوعی دچار احساس بی‌قدرتی شود و به ناتوانی‌اش

^۱. Bell, Ann V.; Hetterly, Elizabeth

^۲. Everett Rogers (1931—2004)

درباره شناخت علل وقایع و پدیده‌ها، پیش‌بینی وقایع در زندگی، و کنترل آینده باور پیدا کند (نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

ماکس وبر^۱ بر زندگی عقلانی انسان در جامعه تأکید دارد. او معتقد است محقق شدن نظام سرمایه‌داری در مغرب‌زمین نیازمند به زمینه‌ای مذهبی، اخلاقی، روانی، اجتماعی، و فرهنگی خاص بوده که جوامع فرهنگی با همراه شدن با چنین زمینه و روحیه خاص توانسته‌اند به نظام سرمایه‌داری و جامعه صنعتی دست پیدا کنند (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۳: ۱۵۱). از نظر وبر دین ضرورتاً نیروی محافظه‌کارانه نیست، بلکه برعکس، جنبش‌های مهلم از دین غالباً موجب دگرگونی‌های شگرفی شده‌اند. او با تحلیل ادیان شرقی به این نتیجه رسید که این ادیان موانع عبورناپذیری در مسیر توسعه سرمایه‌داری قرار می‌دهند، نه به این دلیل که تمدن‌های غیر غربی عقب‌مانده هستند، بلکه فقط به این علت که ارزش‌هایی را پذیرفته‌اند که با آنچه در غرب رواج یافته است، تفاوت دارد (گیدنز، ۱۳۸۹: ۷۸۰).

استنلی^۲ سرنوشت‌گرایی را به مثابه ارزش و اعتقادی فرهنگی، خاص جوامعی می‌داند که دارای ویژگی‌های خاصی است. در این جوامع عرف بر قانون غلبه دارد، نظام اجتماعی اقتصادی تولید در مرحله ماقبل صنعتی قرار دارد، و روابط اجتماعی تولید منعکس‌کننده ارزش‌های فئودالیسم است. در این جوامع حداقل تحرک طبقه‌ای و حرفه‌ای (شغلی) دیده می‌شود، روح جمعی بر اراده فردی رجحان دارد، سطح سواد و آگاهی عمومی پایین است، بی‌اطلاعی از تاریخ امری بارز است، و در مجموع نوعی احساس ناتوانی و ناامیدی و بی‌قدرتی در برابر واقعیات حاکم توأم با نوعی تسلیم و رضا در جامعه حاکم است (نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۳). مؤذنی و بهشتی‌دوست معتقدند مفهوم تقدیرگرایی از سویی با مفهوم از خودبیگانگی کارل مارکس^۳ و ملوین سیمن^۴ در ارتباط است که به طور ضمنی یا آشکار همان معنی را منتقل می‌کنند. از نظر سیمن، ساختارهای دیوان‌سالاری جامعه مدرن، شرایطی را ایجاد کرده‌اند که در آن، انسان‌ها نحوه کنترل بر عواقب اعمال و رفتار خود را نمی‌توانند فراگیری کنند. انواع یا مراحل مختلف بیگانگی در دیدگاه سیمن عبارتند از: بی‌هنجاری، ناتوانی، بیهودگی، بیگانگی از جامعه، بیگانگی از خود (مؤذنی و بهشتی‌دوست، ۱۳۹۶: ۷۶). مارکس بر این باور است که انسان در جریان زندگی اجتماعی خود استعدادها و قابلیت‌های درونی خویش را ظاهر می‌کند. این، خود، در لحظه‌ای دیگر منجر به پیدایش نهادها و ساختارها و نظام اجتماعی می‌شود که پس از

^۱. Max Weber (1864—1920)

^۲. Manfred Stanley (1932—2004) استاد جامعه‌شناسی دانشگاه سیراکیوز

^۳. Karl Marx (1818—1883)

^۴. Melvin Seeman (1918—2020)

پیدایش و تکوین، وجود خود را بر انسان تحمیل می‌کنند، تا جایی که از آفرینندگان خویش بیگانه می‌شوند. به همین خاطر، در نظر مارکس، بیگانگی بیان‌کننده جدایی انسان از خود، کار، تولید خویش، هموعان و همچنین از جامعه و طبیعت است (رضایی و بساطیان و جعفریان، ۱۳۹۴: ۸۶).

مفهوم نابرابری اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که در آن منابع بالارزش اجتماعی اعم از ثروت مادی، قدرت، منزلت، و سرمایه فرهنگی به طور مساوی در دسترس اعضای جامعه قرار نگرفته باشد، طوری که این دسترسی افتراقی، پایگاه اجتماعی متفاوتی را برای افراد رقم بزند و اختلافات پنهان و آشکار زیادی در بین آنها از نظر حقوق، فرصت‌های زندگی، پاداش‌ها، و امتیازها به وجود بیاید (یوسفی و ورشوئی، ۱۳۸۹: ۱۰۸). از نظر چلبی و راهبر، نابرابری اجتماعی باعث کاهش حرمت و کرامت انسانی می‌شود و احساس حقارت را برای اکثر اعضای جامعه افزایش می‌دهد. در این صورت حساسیت جامعه نسبت به حقوق اکثریت، به‌خصوص کسانی که مواضع عادی را اشغال می‌کنند، تقلیل می‌یابد. به‌علاوه اعتماد به پتانسیل‌ها و خلاقیت‌های آحاد انسانی نیز کاهش می‌یابد و ارزش کار فی نفسه پایین می‌آید. در نتیجه، فرد تحقیر می‌شود و به صورت انفعالی و قدرگرا عمل می‌کند (چلبی و راهبر، ۱۳۹۱: ۳۹).

از جمله نظریه‌های بسیار مهم دربارهٔ زمینهٔ تقدیرگرایی، نظریهٔ فرهنگ فقر اسکار لوئیس^۱ است. لوئیس معتقد است وقتی خانواده‌ای با فقر درگیر می‌شود، ناچار است نوع زندگی خود را تا حد زیادی با شرایط فقر هماهنگ کند. این هماهنگی به مرور زمان به صورت عرف و عادت درمی‌آید و فرهنگ متناسب با فقر را شکل می‌دهد. سپس همین فرهنگ مبنای کنش‌های بعدی فرد فقیر قرار می‌گیرد. فقرا فقر خود را به صورت ناآگاهانه حفظ می‌کنند. از نظر لوئیس، فرهنگ فقر به مرور زمان بر جامعه حاکم می‌شود و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و در صورتی که در جامعه و ذهنیت افراد ساکن در آن ریشه بدواند حتی پس از کسب موفقیت‌های بیرونی در جهت رفع فقر، مدت‌ها به حیات خود ادامه می‌دهد (بساطیان، ۱۳۹۰: ۱۴). نکتهٔ حائز اهمیت این است که ساخت مقتدرانهٔ خانواده‌ها باعث می‌شود جوان‌ترها افرادی بی اراده و وابسته و مطیع (تقدیرگرا) تربیت شوند (نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۳).

مکلند^۲ در نظریهٔ نیاز به موفقیت، انگیزش به پیشرفت را به طور معکوس با متغیرهای تقدیرگرایی و احساس بی‌قدرتی و آیین‌منشی همبسته می‌داند (محسنی تبریزی و همکاران،

^۱. Oscar Lewis (1914—1970)

^۲. David Clarence McClelland (1917—1998)

۱۳۸۴: ۱۳). لذا به نظر می‌رسد میان نیاز به موفقیت و گرایش به تقدیرگرایی رابطه منفی وجود داشته باشد زیرا با وجود این نیاز در فرد انگیزه پیشرفت و اعتماد به نفس در او مانع از سرنوشت‌گرایی‌اش می‌شود.

چارچوب نظری

با توجه به نظریات و دیدگاه‌های مطرح‌شده می‌توان نتیجه گرفت عوامل مختلفی مانند باورهای مذهبی مبنی بر جبر، ساختار مقتدرانه و متعصبانه خانواده، قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، و میزان تمایل افراد به پیشرفت اجتماعی و ... بر تقدیرگرایی تأثیرگذارند. در مطالعه حاضر متغیر تقدیرگرایی از نظریه راجرز و متغیرهای مستقل یعنی دینداری، بی‌قدرتی، بیگانگی اجتماعی، نابرابری اجتماعی، ساخت خانواده، و نیاز به موفقیت به ترتیب از دیدگاه‌های وبر، استنلی، مارکس، لوئیس، و مک‌لند استخراج شدند.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱) بین ساختار قدرت در خانواده و میزان تقدیرگرایی رابطه وجود دارد.
- ۲) بین احساس بیگانگی اجتماعی و میزان تقدیرگرایی رابطه وجود دارد.
- ۳) بین احساس بی‌قدرتی و میزان تقدیرگرایی رابطه وجود دارد.
- ۴) بین احساس نابرابری اجتماعی و میزان تقدیرگرایی رابطه وجود دارد.
- ۵) بین دینداری و میزان تقدیرگرایی رابطه وجود دارد.
- ۶) بین نیاز به موفقیت و میزان تقدیرگرایی رابطه وجود دارد.
- ۷) بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، وضعیت اشتغال، تأهل، نوع شغل، تحصیلات شهروندان) و گرایش به تقدیرگرایی رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری و نمونه پژوهش

این تحقیق به روش پیمایش انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شهروندان ۱۸ تا ۶۵ سال (۴۳۴۵۷۸ نفر) شهر کرمان بود. از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران^۱ ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری تحقیق نیز نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای

^۱. Cochran formula (William Gemell Cochran 1909—1980)

بود. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته شده جمع‌آوری شدند. تقدیرگرایی به عنوان متغیر مستقل در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. در بخش اول پرسشنامه سؤالاتی برای سنجش تقدیرگرایی و در مرحله دوم سؤالاتی برای سنجش برخی عوامل مؤثر بر تقدیرگرایی مطرح شده‌اند. لازم است توضیح بدهیم در این پژوهش برای سنجش تقدیرگرایی و متغیرهای مستقل از قالب مقیاس لیکرت^۱ با پنج امکان پاسخ (کاملاً موافقم، موافقم، بی نظر، مخالفم، کاملاً مخالفم) استفاده شد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

تقدیرگرایی: تقدیرگرایی عبارت است از «اعتقاد به سرنوشتی از پیش محتوم و باور به تعیین آن توسط نیروهای ماورای طبیعی و قبول عدم امکان دخالت خود فرد در تغییر آن» (سیدمحمد رفیعی^۲ به نقل از راستی و رحمانی، ۱۳۹۵: ۱۵۲). در تحقیق حاضر برای سنجش تقدیرگرایی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. گویه‌ها طیف مختلفی از اعتقاد به شانس و اقبال، بدبینی و عدم اعتماد به آینده، اعتقاد به دخالت خداوند در زندگی و جهت‌دهی امور، مُعین و حتمی بودن سرنوشت، دنیاگریزی، عدم اعتقاد به کنترل جمعیت، عدم اعتقاد به بیمه‌های رسمی، اعتقاد به چشم زخم، و عدم اعتقاد به اراده و تلاش انسان در زندگی را در بر می‌گیرد. با توجه به استفاده از طیف لیکرت در این پرسشنامه دامنه نمرات بین ۲۴ تا ۱۲۰ تعریف شده بود.

دینداری: دینداری عبارت است از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید و اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (افشانی و ذاکری هامانه و عسکری ندوشن، ۱۳۹۴: ۳۸). در تحقیق حاضر برای سنجش دینداری از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این شاخص از چهار خرده مقیاس بعد اعتقادی، بعد احساسی، بعد پیامدی، و بعد رفتاری تشکیل شد. برخی از گویه‌های آن عبارتند از: من خدا را همواره ناظر و حاضر بر رفتارم می‌دانم، روز جزا و بهشت و دوزخ حقیقتی انکارناپذیر است، قرآن کلام خداوند و راهنمای هدایت بشر است، مذهب پاسخگوی تمام مسائل انسان است. دامنه نمرات این متغیر با توجه به اینکه ۱۹ سؤال در نظر گرفته شده بود بین ۱۹ تا ۹۵ در نظر گرفته شد.

^۱ Likert scale (Rensis Likert 1903—1981)

^۲ سیدمحمد رفیعی (۱۳۸۲)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان تقدیرگرایی (مطالعه موردی: شهر فردوس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس.

احساس بیگانگی اجتماعی: ملوین سیمن بیگانگی اجتماعی را نوعی احساس یا وضعیت بیان می‌کند که هر فرد در رابطه با خود و دیگران و جامعه به اشکال گوناگونی دچار احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، بی‌معنایی، انزوای اجتماعی، احساس تنفر، و از خود بیگانه می‌شود (افشانی و جواهرچیان، ۱۳۹۵: ۷). برخی گویه‌های آن بدین شرح است: با توجه به شرایط امروز جامعه من می‌توانم فرد مؤثری در جامعه باشم، در جامعه امروز هر فردی به راحتی می‌تواند به خواسته‌هایش برسد، در جامعه امروز هر فردی باید مشکلاتش را با مسئولین در میان بگذارد. دامنه نمرات این متغیر با توجه به داشتن ۸ سؤال بین ۸ تا ۴۰ نمره تعیین شد.

احساس نابرابری اجتماعی: نابرابری اجتماعی عبارت است از وضعیتی که در چارچوب آن، انسان‌ها به منابع با ارزش و خدمات و موقعیت‌های جامعه دسترسی ندارند. چنین نابرابری هنگامی روی می‌دهد که افراد و گروه‌ها یکدیگر را درجه‌بندی و سپس ارزیابی کنند، ولی از همه مهم‌تر این است که نابرابری اجتماعی در رابطه با موقعیت‌های متفاوت در ساختار اجتماعی به وجود می‌آید (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵). برای سنجش این مفهوم از گویه‌های محقق ساخته استفاده شد. به عنوان نمونه: در جایی که من زندگی می‌کنم همه مردم به حداقل درآمد برای زندگی دسترسی دارند، در جامعه ما حق و حقوق اقلیت‌های مذهبی (یهودی، مسیحی، زرتشتی) رعایت می‌شود، در جامعه ما حقوق سایر گروه‌های قومی (کرد، ترک، لر) رعایت می‌شود. دامنه نمرات این متغیر بین ۷ تا ۳۵ نمره تعیین شد.

ساختار قدرت در خانواده: منظور از ساختار قدرت در خانواده، الگوهای ساخت یافته تصمیم‌گیری در خانواده است (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۴۰). برخی گویه‌های آن عبارتند از: در خانواده ما همه حق تصمیم‌گیری برابر راجع به چیدمان وسایل منزل دارند، و شبیه این سؤال تصمیم‌گیری راجع به ازدواج فرزند، انتخاب نام فرزند، خرید کالاهای اساسی و لوکس، و تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان. دامنه نمرات بین ۹ تا ۴۵ نمره در نظر گرفته شد.

احساس بی‌قدرتی: عبارت است از احتمال یا انتظار انگاشته شده از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خود و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده است (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸). در مطالعه حاضر برای سنجش احساس بی‌قدرتی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. از جمله گویه‌های احساس بی‌قدرتی می‌توان به گویه‌های فکر می‌کنم آن طور که باید قادر به بهبود اوضاع سیاسی جامعه خود نیستم، و احساس می‌کنم تسلط چندانی بر زندگی خود ندارم، و فکر می‌کنم در بسیاری از رخدادهای زندگی‌ام مالکیت و نقش زیادی ندارم، اشاره کرد. دامنه نمرات این متغیر بین ۱۰ تا ۵۰ در نظر گرفته شده بود.

نیاز به موفقیت: گیج و برلینر^۱ انگیزه پیشرفت را به صورت میل یا علاقه به موفقیت فرد در زمینه فعالیت تعریف کرده‌اند (رضایی و جهان و رحیمی، ۱۳۹۵: ۹۵). محققین برای سنجش این مفهوم از پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمانس^۲ (۱۹۷۰) الهام گرفته‌اند. برخی گویه‌های آن عبارتند از: توفعی که از خودم موقع کار کردن دارم خیلی زیاد است، وقتی کم سن و سال بودم دلم می‌خواست آدم خیلی مهمی باشم، کار چیزی است که اصلاً دوست ندارم آن را انجام دهم، زندگی‌ای که اصلاً نیازی به کار کردن نداشته باشد خیلی خوشایند است، من بیشتر مواقع احساس خستگی می‌کنم. دامنه نمرات متغیر بین ۱۴ تا ۷۰ در نظر گرفته شد.

روایی ابزار سنجش

در این پژوهش از اعتبار صوری (استفاده از نظرات و تجربیات صاحب‌نظران) بهره گرفته شد. همچنین برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود مقدار کرونباخ قابل قبول است.

جدول ۱. پایایی سؤالات مربوط به متغیرهای مورد بررسی (N=۳۸۵)

متغیر	تعداد سؤالات	مقدار آلفا
تقدیرگرایی	۲۴	۰/۸۰
بُعد اعتقادی دین‌داری	۴	۰/۷۹
بُعد احساسی دین‌داری	۴	۰/۸۰
بُعد پیامدی دین‌داری	۳	۰/۶۲
بُعد مناسکی یا رفتاری دین‌داری	۸	۰/۸۱
احساس بیگانگی اجتماعی	۸	۰/۶۰
احساس نابرابری اجتماعی	۷	۰/۷۶
ساختار قدرت در خانواده	۹	۰/۸۰
احساس بی‌قدرتی	۱۰	۰/۸۰
نیاز به موفقیت	۱۴	۰/۷۹

^۱. Nathaniel Lees Gage & David C. Berliner

^۲. Hubertus Johannes Matthias Hermans (1937—)

Hubert J. M. Hermans (1970), "A Questionnaire Measure of Achievement Motivation", *Journal of Applied Psychology*, 54(4), 353-363.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها نشان داد که از مجموع ۳۸۵ نمونه تحقیق ۵۲/۵ درصد پاسخگویان مرد و ۴۷/۵ درصد زن بودند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۹/۵۹ سال بود. همچنین بر حسب طبقه اقتصادی اجتماعی، ۶۰/۷ درصد به طبقه اقتصادی اجتماعی متوسط تعلق دارند. ۴۳/۴ درصد پاسخگویان شاغلند. ۵۴ درصد تحصیلاتشان در سطح لیسانس و بالاتر بود و ۵۷/۶ درصد متأهل بوده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد متغیرهای جمعیت‌شناختی

نام متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۱۸۳	۵۲/۵
	مرد	۲۰۲	۴۷/۵
طبقه اجتماعی	خیلی پایین	۲۰	۵/۱۲
	پایین	۵۸	۱۵/۱
	متوسط	۲۳۴	۶۰/۷
	بالا	۶۵	۱۶/۹
	خیلی بالا	۸	۱/۲
وضعیت شغلی	بیکار	۲۷	۷
	محصل	۱۰۳	۲۶/۸
	شاغل	۱۶۷	۴۳/۴
	خانه‌دار	۸۸	۲۲/۹
وضعیت تأهل	متأهل	۳۲۲	۵۷/۶
	مجرد	۱۵۷	۴۰/۸
	مطلقه	۶	۱/۶
تحصیلات	ابتدایی	۶	۱/۸
	سیکل	۴۰	۱۰/۴
	دیپلم	۷۶	۱۹/۴
	فوق دیپلم	۵۴	۱۴
	لیسانس	۱۷۰	۴۳/۵
	فوق لیسانس	۲۷	۷
	دکتری	۱۲	۳/۷
	سن افراد	۱۸ تا ۲۰	۸۶
۲۱ تا ۳۰	۱۷۴	۴۵/۲	
۳۱ تا ۴۰	۹۰	۲۳/۴	
۴۱ تا ۵۰	۲۲	۵/۷	
بالای ۵۰	۱۳	۳/۴	
میانگین سنی			۲۹/۵۹

تقدیرگرایی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن

دامنه نمرات تقدیرگرایی بین ۲۴ تا ۱۲۰ در نظر گرفته شد که در این دامنه ۴۳ کمترین نمره و ۹۴ بیشترین نمره بود. بدین ترتیب تقدیرگرایی در سه سطح پایین (امتیاز بین ۵۹-۴۳)، تقدیرگرایی در حد متوسط (امتیاز بین ۶۰-۷۶) و تقدیرگرایی بالا (امتیاز بین ۷۷-۹۴) رده بندی می شود. بر اساس داده های جدول ۳ بیش از نیمی از پاسخگویان (یعنی ۵۲/۷ درصد) میزان تقدیرگرایی متوسط داشتند. داده های این جدول همچنین نشان می دهند که در همه متغیرها بیشترین درصد به گزینه متوسط تعلق دارد.

جدول ۳. توصیف و فراوانی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

متغیر ابعاد	تقدیرگرایی		دینداری		بی قدرتی اجتماعی		بیگانگی اجتماعی		نابرابری اجتماعی		نیاز به پیشرفت اجتماعی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۱۳۸	۳۵/۸	۴۸	۱۲/۵	۹۴	۲۳/۵	۴۰	۱۰/۵	۶۲	۱۵/۸	۶۰	۱۵/۵
متوسط	۲۰۳	۵۲/۷	۲۷۷	۷۲/۱	۲۰۹	۵۵/۱	۲۵۳	۶۵/۷	۲۱۳	۵۶/۱	۲۲۵	۵۹/۱
بالا	۴۴	۱۱/۵	۶۰	۱۵/۴	۸۲	۲۱/۴	۹۲	۲۳/۸	۱۱۰	۲۸/۱	۱۰۰	۲۵/۴
جمع	۳۸۵	۱۰۰	۳۸۵	۱۰۰	۳۸۵	۱۰۰	۳۸۵	۱۰۰	۳۸۵	۱۰۰	۳۸۵	۱۰۰

با استفاده از آزمون تی به مقایسه میانگینها در متغیرهای دو گزینه ای پرداخته شد و نتایج نشان داد که میانگین تقدیرگرایی در زنان و مردان متفاوت است (جدول ۴) و در واقع زنان نسبت به مردان در متغیر تقدیرگرایی دارای میانگین بالاتری می باشند ($M = ۶۵/۰۵$). بر اساس نتایج به دست آمده میزان گرایش به تقدیرگرایی در بین افراد مجرد و متأهل از لحاظ آماری معنادار نیست.

جدول ۴. مقایسه تقدیرگرایی بر حسب جنسیت و وضعیت تأهل

متغیر	ابعاد	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	آماره تی	معناداری
جنسیت	زنان	۱۸۳	۶۵/۰۵	۱۰/۳۰	۲/۸۵	۰/۰۰۵
	مردان	۲۰۲	۶۲/۱۰	۹/۹۳		
وضعیت تأهل	متأهل	۲۲۲	۶۳/۲۸	۹/۹۷	۲/۳۵	۰/۳۳۶
	مجرد	۱۵۷	۶۳/۷۵	۱۰/۶۶		

برای بررسی تفاوت میانگینها بین متغیر تقدیرگرایی با سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال از آزمون آنووا^۱ استفاده شد. نتایج نشان داد که میزان تقدیرگرایی بر اساس سطح تحصیلات

^۱. ANOVA (analysis of variance)

تفاوت معناداری دارد (جدول ۵) و میزان میانگین تقدیرگرایی کسانی که دارای تحصیلات فوق لیسانس ($M = ۶۲/۶۸$) و دکتری ($M = ۶۲/۳۲$) هستند از سایر سطوح تحصیلی کمتر است. همچنین میزان گرایش به تقدیرگرایی در بین پاسخ‌گویان از لحاظ وضعیت اشتغال تفاوت معنی‌دار داشت. به این صورت که پاسخ‌گویان شاغل ($M = ۶۱/۳۴$) نسبت به دیگر طبقات از گرایش به تقدیرگرایی کمتری برخوردار هستند.

جدول ۵. مقایسه تقدیرگرایی بر حسب سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال

متغیر	مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معنی‌داری
سطح تحصیلات	ابتدایی	۶	۶۸/۳۷	۱۳/۳۵	۰/۰۰۰
	سیکل	۴۰	۶۸/۵۹	۱۰/۳۹	
	دیپلم	۷۶	۶۶/۳۴	۹/۵۴	
	فوق دیپلم	۵۴	۶۵/۲۳	۹/۵۲	
	لیسانس	۱۷۰	۶۳/۳۵	۸۸/۸	
	فوق لیسانس	۲۷	۶۲/۶۸	۹/۲۲	
	دکتری	۱۲	۶۲/۳۲	۹/۲۰	
وضعیت اشتغال	بیکار	۲۷	۶۲/۳۷	۱۳/۳۵	۰/۰۰۰
	محصل	۱۰۳	۶۴/۵۹	۱۰/۳۹	
	شاغل	۱۶۷	۶۱/۳۴	۹/۵۹	
	خانه‌دار	۸۸	۶۶/۶۸	۹/۲۲	

نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن^۱ (جدول ۶) نشان داد که بین طبقه اقتصادی - اجتماعی و گرایش به تقدیرگرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد، به این صورت که هرچقدر طبقه اقتصادی - اجتماعی افراد بالاتر باشد، از گرایش به تقدیرگرایی افراد کاسته می‌شود. اما طبق آزمون پیرسون فرضیه رابطه بین سن و گرایش به تقدیرگرایی رد شد و رابطه معناداری بین این دو متغیر مشاهده نشد زیرا سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ ارزیابی شده است.

جدول ۶. ضریب همبستگی بین متغیرهای زمینه‌ای و تقدیرگرایی

متغیر	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	تعداد مشاهدات
طبقه اقتصادی - اجتماعی و تقدیرگرایی	۰/۰۲۳	-۰/۲۲۲	۳۸۵
سن و تقدیرگرایی	۰/۰۶۶	-۰/۱۰۱	

^۱ Spearman (Charles Edward Spearman 1863—1945)

جدول ۷ نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین تقدیرگرایی با سایر متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که بین میزان دینداری و تقدیرگرایی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود داشت بدین معنی که افرادی که میزان دینداری بیشتری داشتند از میزان تقدیرگرایی بیشتری نیز برخوردار بودند و بالعکس. همچنین بین احساس بی‌قدرتی و تقدیرگرایی رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد یعنی افرادی که احساس بی‌قدرتی بیشتری دارند از میزان تقدیرگرایی بیشتری نیز برخوردار هستند و بالعکس.

همچنین بین دو متغیر احساس بیگانگی اجتماعی و گرایش به تقدیرگرایی رابطه مستقیم وجود دارد. در نتیجه استنباط می‌شود که با افزایش میزان احساس بیگانگی اجتماعی، گرایش به تقدیرگرایی نیز در افراد افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. از سوی دیگر رابطه معناداری بین احساس نابرابری اجتماعی و گرایش به تقدیرگرایی وجود دارد. بنابراین با افزایش میزان احساس نابرابری اجتماعی، گرایش به تقدیرگرایی نیز در افراد افزایش پیدا می‌کند. طبق نتایج به‌دست‌آمده بین ساخت قدرت در خانواده و تقدیرگرایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی افرادی که ساخت قدرت پدرسالارانه بالاتری دارند از میزان تقدیرگرایی بالاتری نیز برخوردار هستند و بالعکس. و در نهایت نتایج نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین نیاز به موفقیت و گرایش به تقدیرگرایی وجود دارد یعنی با افزایش میزان نیاز به موفقیت، گرایش به تقدیرگرایی در آنها کاهش پیدا می‌کند و بالعکس.

جدول ۷. ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و تقدیرگرایی

تعداد مشاهدات	ضریب	سطح معناداری	متغیر مستقل
۳۸۵	۰/۱۲۶	۰/۰۱۳	میزان دینداری
	۰/۳۱۹	۰/۰۰۰	احساس بی‌قدرتی
	۰/۱۷۲	۰/۰۰۱	احساس بیگانگی اجتماعی
	۰/۱	۰/۰۰۵	احساس نابرابری اجتماعی
	۰/۱۸۶	۰/۰۰۰	ساخت قدرت خانواده
	-۰/۲۲۱	۰/۰۰۰	نیاز به موفقیت

تحلیل رگرسیون

در این بخش برای مطالعه تأثیر متغیرهای مستقل بر تقدیرگرایی از تحلیل رگرسیون با روش گام به گام استفاده شد. روش ورود می‌تواند پیش‌رونده یا پس‌رونده یا ترکیبی از هر دو باشد تا میزان اهمیت یا تأثیر خالصی که هر کدام از متغیرهای مستقل بر تقدیرگرایی دارد مشخص شود.

در این مدل رگرسیونی متغیرهای مستقل وارد شده عبارتند از: احساس بی قدرتی، دینداری، نیاز به موفقیت، و احساس بیگانگی اجتماعی. در حقیقت از این مرحله به بعد، متغیرهایی که معنی دار نیستند و یا تأثیر زیادی بر ضریب تعیین ندارند از معادله خارج می‌شوند چون هدف رسیدن به بهترین مدل است که دربرگیرنده متغیرهایی است که تأثیر بیشتری بر روی متغیر وابسته دارند. از بین متغیرهای مستقل متغیرهای نابرابری اجتماعی و ساخت قدرت در خانواده، چون معنی دار نبوده‌اند، از معادله خارج شدند.

جدول ۸. متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون

متغیر	بتا	انحراف استاندارد	بتای تعدیل شده	کمیت تی	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۳۴/۶۹۴	۴/۸۴	-	۷/۱۶۳	۰/۰۰۰
احساس بی قدرتی	۰/۳۱۶	۰/۰۹۶	۰/۱۹۰	۳/۳۰	۰/۰۰۱
دینداری	۰/۱۵۲	۰/۰۴۹	۰/۱۴۴	۲/۷۲	۰/۰۰۷
نیاز به موفقیت	-۰/۱۶۹	۰/۰۸۶	-۰/۱۱۱	۱/۹۶	۰/۰۰۵
احساس بیگانگی	۰/۱۶۵	۰/۰۹۹	۰/۰۸۷	۱/۶۶۳	۰/۰۱

با توجه به آزمون معنی داری T، از بین متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی، متغیرهای احساس بی قدرتی، دینداری، نیاز به موفقیت، و احساس بیگانگی اجتماعی همه متغیرهای تأثیر گذار می‌باشند. همان گونه که در ستون بتای تعدیل شده مشخص است، مقدار این ضرایب برای متغیر احساس بی قدرتی ۰/۱۹۰، برای متغیر دینداری ۰/۱۴۴، برای متغیر نیاز به موفقیت ۰/۱۱۱- و برای متغیر بیگانگی اجتماعی ۰/۰۸۷ است.

بنابراین، متغیر احساس بی قدرتی بیشترین سهم را در پیش‌بینی میزان تقدیرگرایی دارد. به عبارت دیگر تأثیر متغیر احساس بی قدرتی بر روی میزان تقدیرگرایی بیش از سایر متغیرها است در حالی که متغیر بیگانگی اجتماعی کمترین تأثیر را بر روی گرایش به تقدیرگرایی دارد. با توجه به جدول فوق معادله رگرسیون ناشی از متغیرهای معنی دار به صورت زیر خلاصه می‌شود:

تقدیرگرایی = احساس بی قدرتی (۰/۱۹۰)، دینداری (۰/۱۴۴)، نیاز به موفقیت (۰/۱۱۱-)، احساس بیگانگی اجتماعی (۰/۰۸۷).

معادله فوق دلالت بر این دارد که به ازای یک واحد افزایش در احساس بی قدرتی مقدار ۰/۱۹۰ و به ازای یک واحد افزایش در دینداری مقدار ۰/۱۴۴ و به ازای یک واحد افزایش در نیاز به موفقیت مقدار ۰/۱۱۱- و به ازای یک واحد افزایش در احساس بیگانگی اجتماعی مقدار

۰/۰۸۷ گرایش به تقدیرگرایی تغییر می‌یابد. در بین متغیرهای فوق، سه متغیر احساس بی‌قدرتی، و دینداری، و احساس بیگانگی اجتماعی با گرایش به تقدیرگرایی پاسخگویان رابطه معنادار و مستقیمی دارند.

جدول ۹. مقادیر R2 تصحیح‌شده و R2 و R و اشتباه استاندارد متغیرهای مورد بررسی

R	R2	R2 تصحیح‌شده	اشتباه استاندارد
۰/۴۷	۰/۲۲۰	۰/۲۱۵	۹/۷۳۸۴

R یا ضریب تعیین به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ۲۲ درصد از واریانس متغیر میزان تقدیرگرایی به وسیله متغیرهای مستقل موجود در معادله تبیین می‌شود. به عبارتی ۲۲ درصد از واریانس و تغییرات متغیر میزان تقدیرگرایی به وسیله متغیرهای میزان دینداری، احساس بیگانگی اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، و نیاز به پیشرفت تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه بررسی تقدیرگرایی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین افراد ساکن شهر کرمان بود. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از میزان متوسط تقدیرگرایی در بین شهروندان - کرمانی بود. طبق نتایج، میانگین تقدیرگرایی در زنان و مردان متفاوت است و اصولاً زنان از تقدیرگرایی بیشتری در این زمینه بهره‌مندند. احتمالاً به این دلیل که زنان نسبت به مردان از حمایت‌های قانونی و اجتماعی و اقتصادی کمتری برخوردارند. این امر در طولانی‌مدت موجب احساس بی‌قدرتی و ناتوانی و اعتقاد به سرنوشت و تقدیرگرایی می‌شود. این یافته با یافته‌های تحقیقات حسنی (۱۳۸۳)، نیازی و شفائی مقدم (۱۳۹۳)، حسینی تبار (۱۳۹۳) همخوانی دارد. گرین و همکاران^۱ (۲۰۰۴) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که زنان بیشتر از مردان به سرنوشت اعتقاد داشتند.

همچنین کسانی که دارای سطح تحصیلات بالاتری هستند و کسانی که شاغل بودند نسبت به سایر گروه‌ها گرایش کمتری به تقدیرگرایی داشتند. نتایج مطالعه حسینی تبار (۱۳۹۳) و فتاحی (۱۳۹۷) و سگریه و همکاران^۲ (۲۰۱۸) نیز نشان داد که بین متغیر تحصیلات با گرایش به تقدیرگرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

^۱. Green, B. Lee; Lewis, Rhonda K.; Wang, Min Qi; Person, Sharina; Rivers, Brian

^۲. Sukkarieh-Haraty, Ola; Egede, Leonard E.; Abi Kharma, Joelle; Bassil, Maya

(توجه کنید: خرما شکرکی = kurma sukkari)

بر اساس یافته‌ها بین طبقه اقتصادی - اجتماعی و گرایش به تقدیرگرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد، که این یافته با یافته مطالعه مردانی (۱۳۹۶) هماهنگ بود. اما بین سن و وضعیت تأهل و گرایش به تقدیرگرایی رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج بیانگر آن بود افرادی که میزان دینداری بالاتری دارند از میزان تقدیرگرایی بالاتری نیز برخوردار هستند و بالعکس. بنابراین بر اساس نتایج پژوهش حاضر، دینداری یکی دیگر از عوامل مؤثر بر تقدیرگرایی است، که با نتایج تحقیق مردانی (۱۳۹۶) و تحقیق ملکشاهی (۱۳۸۷) هماهنگ بود. روئیسو^۱ (۲۰۱۳) نیز در پژوهش به این نتیجه رسید که اعتقادات مذهبی عنصری مهم در تعیین گرایش‌های تقدیرگرایانه است. این موضوع تأییدکننده نظریه وبر است. در جوامع شرقی، مذهب انسان را در برابر قدرت بلاشرط و سخت‌گیرانه خداوند قرار می‌دهد، که این نگرش خود را با رفتارهایی غیر عقلایی همچون تقدیرگرایی بروز می‌دهد. بنابراین باورهای مذهبی مبتنی بر تقدیر و بی ارزش شمردن دنیا در گرایش به تقدیرگرایی مؤثر هستند.

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، افرادی که احساس بی‌قدرتی بیشتری دارند از میزان تقدیرگرایی بیشتری نیز برخوردار هستند و بالعکس. این یافته با نتایج تحقیق محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۴) که در میان زنان انجام شد همخوانی دارد. نتیجه مذکور با دیدگاه استنلی همخوانی دارد. در واقع زمانی که فرد خود را در تأثیرگذاری بر حوادث زندگی‌اش بی‌قدرت می‌بیند، عوامل تعیین‌کننده حوادث و رویدادها را خارج از کنترل خود می‌داند و آنها را به نیروهای ماوراءالطبیعه ربط می‌دهد.

نتایج نشان داد که بین احساس بیگانگی اجتماعی و تقدیرگرایی رابطه وجود دارد. این رابطه بدین معنی است افرادی که از احساس بیگانگی اجتماعی بالا برخوردار می‌باشند از تقدیرگرایی بالاتری نیز برخوردار هستند و بالعکس. این نتایج با یافته‌های مطالعه حسنی (۱۳۸۳) و مطالعه راستی و رحمانی (۱۳۹۵) همخوانی دارد. زمانی که مردم فکر می‌کنند اعمالشان در جامعه بی‌تأثیر است و از حضور آنان در اجتماع استقبال و حمایت نمی‌شود، امید چندانی برای آینده خوب نمی‌بینند و از صمیمیت در اجتماع پرهیز می‌کنند و خود را بیگانه از آرمان‌های اجتماعی می‌یابند. این قضیه آنها را به انجام امور اجتماعی فقط در قبال ارزش پاداشی و پولی سوق می‌دهد. در نهایت، آنها که خود را بیگانه با اجتماع می‌یابند، گرایششان به تقدیرگرایی زیاد می‌شود (راستی و رحمانی، ۱۳۹۵: ۱۶۳).

همچنین نتایج نشان داد که بین احساس نابرابری اجتماعی با تقدیرگرایی رابطه وجود دارد. افرادی که احساس نابرابری اجتماعی بالاتری دارند از میزان تقدیرگرایی بالاتری نیز برخوردار

^۱. Gabriele Ruiiu

هستند. همسو با نتایج پژوهش حاضر، یافته‌های تحقیقات حسنی (۱۳۸۳) و چلبی و راهبر (۱۳۹۱) نشان دادند که یکی از عوامل مؤثر بر تقدیرگرایی، احساس نابرابری اجتماعی است. همان‌طور که گفته شد منظور از ساخت قدرت الگوهای ساخت یافته تصمیم‌گیری در خانواده است. یافته‌های به‌دست‌آمده حاکی از آن است که بین ساخت خانواده و تقدیرگرایی رابطه وجود دارد. دلیل این امر شاید این باشد که ساخت قدرت پدرسالارانه و اقتدارطلبانه باعث تربیت افراد مطیع و بی‌اراده در خانواده می‌شود. این افراد مطیع پس از مدتی تمام اتفاقات خوشایند و ناخوشایند زندگی را به تقدیر و شانس نسبت می‌دهند و خود از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند. این یافته با یافته‌های حسنی (۱۳۸۳) و نیازی و شفائی مقدم (۱۳۹۳) هماهنگ است.

نتایج نشان داد افرادی که نیاز به موفقیت بالاتری دارند از میزان تقدیرگرایی کمتری برخوردار هستند و بالعکس. این یافته با یافته‌های قره‌خانی (۱۳۹۶) و کار مک‌کلند هماهنگ است. مک‌کلند معتقد است که هرچه نیاز به موفقیت بالاتر باشد میزان تقدیرگرایی پایین‌تر است، که در این پژوهش هم همین نتیجه به دست آمد. ممکن است این نتایج به این دلیل باشد که افرادی که این نیاز در آنها غالب است، موفقیت و شکست خود را بر پایه شانس ارزیابی نمی‌کنند و تلاش می‌کنند مسئولیت امور را خود به عهده بگیرند به جای آن که آن را بر گردن قضا و قدر بیندازند (پک و دیاز - گررو^۱، ۱۹۹۷). طبق نتایج تحلیل رگرسیون احتمال گرایش به تقدیرگرایی در میان افرادی بیشتر است که احساس بی‌قدرتی و دینداری بالاتری دارند، و توجه بیشتری به نیاز به موفقیت از خود نشان می‌دهند، و احساس بیگانگی اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند.

با توجه به مباحث مطرح‌شده می‌توان نتیجه گرفت عدم دسترسی عادلانه افراد به منابع ارزشمند، فقدان حقوق مدنی یا عدم رعایت حقوق افراد در سطح جامعه، جدایی فرد از جامعه به همراه احساس بی‌تأثیری و بی‌قدرتی در خانواده و جامعه، و اعتقادات دینی مبتنی بر جبر و سنت، زمینه گرایش و تمایل افراد به تقدیرگرایی را فراهم می‌کند. همچنین عواملی مانند جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، و طبقه اجتماعی - اقتصادی بر این گرایش دامن می‌زنند، به طوری که زنان و کسانی که سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی - اقتصادی پایین‌تری داشتند و از لحاظ شغلی بیکار بودند، گرایش بیشتری به تقدیرگرایی داشتند. در حقیقت این امر نشان‌دهنده ضعف در زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی و اقتصادی و غلبه باورهای سنتی و خرافی در جامعه است که نتوانسته شهروندانی آگاه و مسئولیت‌پذیر تربیت کند، و آنها را به

^۱. Peck, Robert F; Diaz-Guerrero, Rogelio

سمت پذیرش تقدیر و سرنوشت از پیش تعیین شده هدایت کرده است، و نتیجه این امر چیزی جز گسترش تنبلی اجتماعی و عدم تلاش و فعالیت نیست. بنابراین باید با ایجاد فرصت‌های مناسب و برابر زمینه حضور و مشارکت تمام شهروندان را در جامعه فراهم کرد تا احساساتی مانند احساس بیگانگی و بی‌قدرتی و ... را کاهش داد که باعث گرایش افراد به تقدیرگرایی می‌شود. همچنین می‌توان با افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی، جهت تقویت و توسعه سطح خودآگاهی و دانش سیاسی افراد و ارتقای سطح مهارت‌های زندگی آنها گام برداشت. علاوه بر این با تقویت احساسات مؤد مانند خودباوری که به عنوان عامل بازدارنده تقدیرگرایی عمل می‌کند از گوشه‌گیری و کاهلی افراد جلوگیری کرد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶). «بررسی نظریه نوسازی: مطالعه موردی درباره تقدیرگرایی فرهنگی در ایران»، فرهنگ، شماره تابستان و پاییز، شماره ۲۲ و ۲۳: ۱۹۱-۲۰۸.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی توسعه*، چاپ یازدهم. تهران: کیهان.
- افشانی، علیرضا؛ جواهرچیان، ندا (۱۳۹۵). «بررسی نقش بیگانگی اجتماعی در وندالیسم در بین دانش‌آموزان دوره اول و دوم متوسطه شهر یزد»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، شماره تابستان، ۵ (۲): ۱-۲۴.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ ذاکری همامانه، راضیه؛ عسکری ندوشن، عباس (۱۳۹۴). «نقش دین‌داری در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی (مطالعه‌ای در شهر یزد)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، شماره بهار، ۹ (۱): ۲۴-۴۹.
- بساطیان، سیدمحمد (۱۳۹۰). «بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: شهرستان دلفان استان لرستان)»، *مسائل اجتماعی ایران*، شماره پاییز و زمستان، ۲ (۲): ۷-۳۲.
- بیگم کاهانی، حکیمه (۱۳۹۳). «سنجش میزان تقدیرگرایی در بین دانشجویان دانشگاه غیر انتفاعی کوثر قزوین و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن». *اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی، رشت*.
- جانعلی‌زاده چوب‌بستی، حیدر؛ بابازاده بائی، علی؛ ابراهیمی، سمانه (۱۳۸۸). «کاوشی جامعه‌شناختی در وضعیت خرافه‌گرایی دانشجویان»، *راهبرد فرهنگ*، شماره بهار، شماره ۵: ۱۰۷-۱۲۸.
- چلبی، مسعود؛ راهبر، مهروز (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر احساس نابرابری اجتماعی بر سلامت و رفتار بهداشتی اقشار مختلف شهر تهران»، *فصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی*، شماره بهار و تابستان، شماره ۶۲: ۳۵-۶۱.

- حسینی، مجتبی (۱۳۸۳). گرایش به تقدیرگرایی در میان زلزله‌زدگان شهر بم و زمینه‌های اجتماعی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- حسینی‌تبار، مهین (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به تقدیرگرایی (مورد مطالعه: جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهرستان دهلران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- راستی، هادی؛ رحمانی، اسماعیل (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان کنارک)»، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، شماره تابستان، ۵ (۹): ۱۵۱-۱۶۱.
- رضایی، علی‌محمد؛ جهان، فائزه؛ رحیمی، معصومه (۱۳۹۵). «عملکرد تحصیلی: نقش اهداف پیشرفت و انگیزه پیشرفت»، *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، شماره زمستان، ۱۲ (۴۲): ۱۷۱-۱۵۵.
- رضایی، مریم؛ بساطیان، سیدمحمد؛ جعفریان، مرتضی (۱۳۹۴). «عوامل اجتماعی مؤثر بر بیگانگی اجتماعی زنان شاغل شهر خرم‌آباد»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۶ (۶۳): ۹۹-۸۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴). «زن، قدرت و خانواده، پژوهشی در جایگاه زن در هرم قدرت در خانواده»، *زن در توسعه و سیاست*، شماره تابستان، ۳ (۲): ۵۰-۲۹.
- شجاعی، جواد (۱۳۸۸). «تقدیرگرایی عامیانه ریشه‌ها و پیامدها»، *نشریه پژوهشنامه*، شماره پاییز، شماره ۴۱: ۱۵۳-۱۸۰.
- شیخ بیگلو، رعنا (۱۳۹۰). «شناسایی مناطق محروم ایران با استفاده از رتبه‌بندی ترکیبی»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، شماره زمستان، ۲ (۷): ۷۰-۵۳.
- طهماسبی، فردین؛ میرزایی، خلیل؛ کامران، فریدون (۱۳۹۱). «عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آن در شهر تهران»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، شماره بهار، ۵ (۱۴): ۱۰۰-۵۷.
- فتحی، پیمان (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی تقدیرگرایی در بین افراد معلول و غیر معلول در شهر یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.
- قره‌خانی، زینب (۱۳۹۶). بررسی رابطه تقدیرگرایی و میل به پیشرفت شغلی در کارکنان شهرداری آزادشهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده مدیریت و حسابداری.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ چهارم. تهران: نی.
- مجدی فرد، فرهاد؛ صباغ، صمد (۱۳۹۴). «بررسی رابطه تقدیرگرایی و بهره‌مندی از رسانه‌های ارتباطی در بین شهروندان ارومیه»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، شماره پاییز، ۸ (۲۸): ۷۵-۵۷.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ هویدا، لادن؛ داوودی، مریم (۱۳۸۴). «تقدیر گرایی و عوامل مؤثر بر آن سنجش میزان تقدیر گرایی در زنان بالغ شهرهای مراکز استان های کشور»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد خلیل*، شماره زمستان، ۲ (۷): ۲۷-۱.

- مردانی، میلاد (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان تقدیرگرایی دانشجویان شهر فولادشهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور پرنده.
- مقدس جعفری، محمدحسن؛ خواجه‌بیبی‌زاده، بتول (۱۳۸۹). «بررسی گرایش به باورهای فرهنگی مانع توسعه (مورد مطالعه شهر کرمان)»، توسعه و سرمایه، شماره پاییز و زمستان، ۳ (۲): ۷۷-۹۲.
- ملکشاهی، ماه‌منیر (۱۳۸۷). «زنان و مسئله‌ی تقدیرگرایی (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام)»، فرهنگ ایلام، شماره پاییز و زمستان، شماره ۲۰ و ۲۱: ۴۰-۵۲.
- مؤذنی، احمد؛ بهشتی‌دوست، علی (۱۳۹۶). «بررسی رابطه‌ی بازتولید فرهنگی و طبقه اجتماعی با تأکید بر تقدیرگرایی (سرپرستان خانوار شهر اصفهان)»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره زمستان، ۲۸ (۸): ۷۱-۹۴.
- نیازی، محسن؛ شفاغی مقدم، الهام (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی زنان»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، شماره بهار، ۵ (۱): ۱۲۳-۱۴۷.
- یوسفی، علی؛ ورشوئی، سمیه (۱۳۸۹). «نابرابری اجتماعی در فضای شهری مشهد: برآوردی از نابرابری‌های درآمدی و تحصیلی در نواحی شهر»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره زمستان، ۴ (۴): ۹۷-۱۲۵.
- Bell, Ann V.; Hetterly, Elizabeth (2014). "There's a higher power, but He gave us a free will: Socioeconomic status and the intersection of agency and fatalism in infertility", *Social Science & Medicine*, 114, 66-72.
- Díaz, Darío; Blanco, Amalio; Bajo, Miriam; Stavradi, Maria (2015). "Fatalism and well-being across Hispanic cultures: The social fatalism scales (SFS)". *Social Indicators Research*, 124(3), 929-945.
- Green, B. Lee; Lewis, Rhonda K.; Wang, Min Qi; Person, Sharina; Rivers, Brian (2004). "Powerlessness, destiny, and control: The influence on health behaviors of African Americans". *Journal of Community Health*, 29(1), 15-27.
- Marván, Ma. Luisa; Ehrenzweig, Yamilet; Catillo-López, Rosa Lila (2016). "Fatalistic beliefs and cervical cancer screening among Mexican women". *Health Care for Women International*, 37(1), 140-154.
- Peck, Robert F; Diaz-Guerrero, Rogelio (1997). "Two Core - Culture patterns and the diffusion of values across their border", *International Journal of Psychology*, 2(4), 275-282.
- Ruiu, Gabriele (2013). "The origin of fatalistic tendencies: An empirical investigation". *Economics & Sociology*, 6(2), 103-125.
- Sukkarieh-Haraty, Ola; Egede, Leonard E.; Abi Kharma, Joelle; Bassil, Maya (2018). "Predictors of Diabetes Fatalism Among Arabs: A Cross-Sectional Study of Lebanese Adults with Type 2 Diabetes". *Journal of Religion and Health*, 57(3), 858-868.

- Thornton, Arland; Bhandari, Prem; Swindle, Jeffrey; Williams, Nathalie; Young-DeMarco, Linda; Sun, Cathy; Hughes, Christina (2019). "Fatalistic Beliefs and Migration Behaviors: A Study of Ideational Demography in Nepal". *Population Research and Policy Review*, 1-28.
- Teye-Kwadjo, Enoch (2019). "Risky driving behavior in urban Ghana: the contributions of fatalistic beliefs, risk perception, and risk-taking attitude". *International Journal of Health Promotion and Education*, 57(5), 256-273.
- Üngüren, Engin; Arslan, Serdar; Koç, Tayfur Süleyman (2017). "The Effect of Fatalistic Beliefs Regarding Occupational Accidents on Job Satisfaction and Organizational Trust in Hotel Industry". *Advances in Hospitality and Tourism Research (AHTR)*, 5(1), 23-56.

